

دنگ شیائو پینگ

ترجمه نوشین . ۱ . خراسانی

همزیستی دو سیستم متفاوت در يك کشور

جهان کنونی با انتخاب راهی آرام و صلح آمیز از يك طرف، و روشی همراه با جنگ، تنش و آشوب از طرف دیگر روبرو است. یا راه نخست، یعنی حل مسالمت آمیز مسائل و مشکلات، یا راه دیگر... به هر حال موانع و مشکلات باید از سر راه توسعه کشورها برچیده شوند. بر این راستا «چین» نه تنها با مشکل «هنگ کنگ» دست بگریبان است بلکه مسئله «تایوان» را نیز می بایست حل کند. راه حل مسئله تایوان چیست؟ آیا برای سیستم سوسیالیستی جمهوری خلق چین امکان دارد که تایوان را در خود حل کند؟ یا این که بر اساس انتشار این «سه اصل بورژوا-دموکراتیک» (ناسیونالیسم، دمکراسی و رفاه) که توسط دکتر «سون یات سن» در زمان انقلاب دمکراتیک چین مطرح شده بود، تایوان قسمت اصلی چین و نظام سوسیالیستی را در خود هضم می کند؟ پاسخ، هیچ کدام از این دو نیست. اگر این مسئله را نتوان با آرامش حل کرد پس باید آن را با زور و تحمیل از بین برد - که به این طریق هیچ کدام از طرفین سودی نخواهند برد.

بیش از يك میلیارد جمعیت در قسمت اصلی چین، تقریباً بیست میلیون در «تایوان» و شش میلیون در «هنگ کنگ» زندگی می کنند. مسأله ای که در این رابطه مطرح می شود این است که چگونه می توان روابط میان افراد ناهمگون با شخصیت و افکار بسیار متفاوت را اداره و هدایت کرده بی تردید سیاست «يك کشور دو سیستم» تنها راه حل واقعی و شدنی این مسئله است. نظریه همزیستی دو سیستم متفاوت در يك کشور معین، اولین بار در سال

۱۹۸۱ توسط «یه جیانینگ»^۱ رئیس کنگره مردمی در ۹ اصل، نه برای حل مسئله هنگ کنگ بلکه برای مشکل تایوان مطرح شد. این اصول به رغم آن که به صورت «یک کشور، دو سیستم» فرموله و خلاصه نشده بود اما در حقیقت مفهوم اصلی آن همین بود. دو سال بعد هنگامی که مسئله «هنگ کنگ» در دستور کار قرار گرفت، ما این نظریه «یک کشور، دو سیستم» را تدوین شده و فرموله، مطرح کردیم. وقتی این نظریه مطرح شد، به نظر می رسید تئوری کاملاً نوینی است که هرگز قبل از آن مطرح نشده است. این رشته مسائل در جهان کنونی، کاملاً جدید هستند و مسائل نوپدید، تنها با ابزارهای نو قابل حل می باشند. ممکن است ابزارهای نوینی که در حل موفقیت آمیز مسئله «هنگ کنگ» و «تایوان» به خدمت گرفته می شود در حل مسائل و مشکلات بیچیده بین المللی مورد استفاده بیشتری یابند.

اجازه بدهید تاریخ را مرور کنیم. آیا در طول تاریخ دولتی وجود داشته که مانند جمهوری خلق چین سیاستی این چنین سخاوتمندانه دنبال کرده باشد؟ آیا در هیچ جایی از تاریخ سرمایه داری، عملی مشابه عملکرد ما، در کشوری غربی ثبت شده است؟ یعنی تا کنون سابقه داشته است که یک کشور سرمایه داری در بخشی از خاک خویش سیستم سوسیالیستی را تحمل کند؟ هنگامی که ما سیاست «یک کشور، دو سیستم» را برای حل مسئله «هنگ کنگ» قبول کنیم دیگر بر راسنای تنش و آشوب های ناگهانی حرکت نخواهیم کرد. تمامی حرکت های ما برگرفته از واقعیت هاست و طبعاً به وضعیت گذشته و آینده «هنگ کنگ» اهمیت زیادی داده و برای افکار عمومی مردمش احترام جدی قائلیم.

ما باید در میان مردم هنگ کنگ کسب اعتماد کنیم، مردمی که به راستی لایق اداره کردن امور و کارهای خودشان هستند. این اندیشه که چینی ها نمی توانند به طرز شایسته و رضایت بخش هنگ کنگ را اداره کنند، اندیشه ای ماورای چپ است که از روحیه کهن القا شده از سوی استعمار نشأت گرفته است. برای بیش از یک قرن، از هنگام جنگ «تریاک»، خارجی ها مردم

چین را مورد توهین و بی احترامی قرار می دادند و آنها را حقیر می شمردند. اما موقعیت چین بعد از پیروزی انقلاب مردمیمان تغییر پیدا کرده است. این جایگاه نوین نه در زمان دولت «کینگ دیناستی»^۱ و نه در دوران صاحب منصبان جنگی شمالی و نه در طی زمامداری «چینگ کای شک»^۲ و پسرش به چین داده نشد. این جایگاه و تغییر موقعیت چین را انقلاب سوسیالیستی بوجود آورد، این انقلاب حداقل در تمام مردم چین احساس غروری نسبت به اقتدار و هویت ملی خودشان ایجاد کرد - البته صرف نظر از این که این هویت و اقتدار با چه مشقت و چه سیاست‌هایی به دست آمده است. چینی‌های مقیم هنگ کنگ نیز در این احساس غرور ملی شریک هستند. آنها توانایی اداره هنگ کنگ را به خوبی دارا می باشند. و باید از این بابت اطمینان داشته باشند. ترقی روزافزون هنگ کنگ بیشتر مدیون نمایندگان هنگ - کنگی است که بیشتر آنها را چینی‌ها تشکیل می دهند. چینی‌ها نه کم‌هوشتر از خارجی‌ان هستند و نه در هیچ توانایی از آنها کم استعدادتر. حتی این مسئله را که مردم هنگ کنگ فاقد اعتماد به نفس هستند خود مردم هنگ کنگ واقعاً قبول ندارند.

دولت چین در رابطه با هنگ کنگ با قاطعیت روی مواضع، اصول و سیاست‌هایش پایدار است. ما در مورد آن سیاست‌هایی که چین برای اقتدار هر چه بیشتر هنگ کنگ بعد از سال ۱۹۹۷ در پیش خواهد گرفت، توضیح داده‌ایم. سیستم اقتصادی و اجتماعی حاکم در هنگ کنگ بدون هیچ تغییری باقی خواهد ماند. سیستم‌های قانونی و حقوقی اساساً بدون تغییر به کار خود ادامه می دهند. وضعیت زندگی و اوضاع اجتماعی همچنان بدون هیچ دگرگونی باقی می ماند و مثل سابق هنگ کنگ منطقه‌ای آزاد و مرکز تجارت بین‌المللی خواهد بود و این کشور نه تنها می تواند روابط اقتصادی خود را با دیگر کشورها ادامه دهد بلکه حتی آنرا گسترش دهد.

1- Qing Dynasty.

2- Chiang Kai-shek.

ما همچنین بارها گفته ایم که غیر از عده ای سرباز که در آنجا مستقر خواهند شد، «پکن» هیچ کس دیگری را در قلمرو سیستم اداری دولت هنگ کنگ نگذارد. برای ادامه امور آنجا تعیین نخواهد کرد. این سیاست نیز به همین صورت باقی خواهد ماند. البته وجود سربازان به خاطر مداخله در امور داخلی هنگ کنگ نخواهد بود بلکه آن‌ها را برای حراست از امنیت ملی مان در آنجا خواهیم گمارد.

مشکل هنگ کنگ یک قرن و نیم است که ادامه دارد و طی این مدت طولانی، لاینحل باقی مانده است، همین موضوع باعث تیره شدن روابط بین دو کشور شده است. حالا که این مشکل به تدریج از میان می‌رود، چشم انداز روشنی از همکاری متقابل بین دوسیستم اقتصادی اجتماعی، و روابط دوستانه میان دو ملت بوجود آمده است. اگر مفهوم «یک کشور، دو سیستم» از اهمیت بین‌المللی برخوردار است، آن را باید مبتنی بر سوسیالیسم علمی دانسته و یا بر اساس اندیشه‌های صدر «مائو تسه دونگ» منطبق بر اصل «جستجوی حقیقت از واقعیات» قلمداد کرد. این نظریه بر پایه واقعیات‌های چین تنظیم شده است چرا که مشکل عمده چین چگونگی رفع مسائل هنگ کنگ و تایوان بود. اما اگر ما می‌خواستیم با استقرار سوسیالیسم در هنگ کنگ به حل این مسئله برسیم، آنگاه نه مردم هنگ کنگ و نه بریتانیا چنین سیاستی را نمی‌پذیرفتند. اهمیت ندادن به نظر آن‌ها و نارضایتی‌هایشان منجر به آشوب می‌شد. حتی اگر هیچ برخورد نظامی و قهر آمیزی هم پیش نمی‌آمد، هنگ کنگ تبدیل به یک کشور بی‌پناه با مجموعه‌ای از مشکلات می‌شد که طبعاً چنین چیزی مطلوب ما نیست. بنابراین تنها راه حل مسئله هنگ کنگ - که از طرف همگان نیز پذیرفتنی باشد - طرح نظریه جدید «یک کشور، دو سیستم» است که بر اساس این نظریه هنگ کنگ مجاز خواهد بود سیستم سرمایه‌داری را در کشور خود همچنان حفظ کند و موقعیتش را به عنوان یک منطقه آزاد و یک مرکز مالی تجارتمی نگه دارد. جز این راه چاره دیگری وجود نداشت.

عده‌ای شک کردند که آیا این مسئله می‌تواند عملی شود یا خیر؟ کارهایی

که تا کنون انجام شده است به آنها جواب خوبی خواهد داد، و با توجه به این که مذاکرات دو سال اخیر در مورد این مسئله با موفقیت همراه بوده است، این عده از مردم چین باید این مسائل را هم در نظر داشته باشند. مفهوم «یک کشور، دو سیستم» اگر نه کاملاً، اما نقش فوق العاده مهمی در حل مشکل تایوان نیز ایفا کرده است و مردم سه کشور نیز آنرا پذیرفته اند. درستی و کار آیی این نظریه در حل مشکلات، در طول پنجاه سال آینده کاملاً مشخص خواهد شد.

سال گذشته يك دوست ژاپنی از من سؤال کرد که چرا شما دقیقاً دوره پنجاه ساله را بعد از سال ۱۹۹۷ تعیین نموده اید؟ وجه لزومی دارد که سیستم سرمایه داری فعلی در هنگ کنگ بی هیچ تغییری تنها برای پنجاه سال پس از سال ۱۹۹۷ باقی بماند؟ این طرح بر چه پایه و اساسی است؟ آیا در این باره دلیل خاصی وجود دارد؟ من جواب مثبت دادم و گفتم که این مسئله منطبق بر واقعیات چین است. ماهدفمان این است که سیاست هایمان در رابطه با هنگ کنگ تا پنجاه سال آینده بدون هیچ دگرگونی باقی بماند. ما سیاست يك کشور دو سیستم را دنبال می کنیم، در واقع «يك کشور دو سیستم» بطور دقیقتر به این معناست که در حالی که قسمت اصلی چین با بیش از يك میلیارد جمعیت بعد از انقلاب مردمی مان از سیستم سوسیالیستی حمایت می کند، هنگ کنگ و تایوان زندگی خویش را زیر پرچم سیستم سرمایه داری ادامه دهند. «راه درست و اصولی (۱) باید از حقیقت جستجو کرد و حقیقت (۱) از واقعیات.» این سیاستی است که چین در سال های اخیر برای از بین بردن اشتباهات چپ روانه در تمامی حوزه های فعالیتش با جدیت به کار برده است. بعد از پنج سال ونیم اوضاع روبه بهبود گذارده است. این سیاست هم راستا با آن دورنمایی است که ما برای حل مسئله تایوان و هنگ کنگ مطرح کرده ایم، دورنمایی که همزیستی مسالمت آمیز دو سیستم اجتماعی-اقتصادی مختلف در محدوده جغرافیایی يك کشور را ترسیم کرده است.

تأکید اصولی ما بر سیاست همزیستی مسالمت آمیز دو سیستم در جامعه باعث شد که کنگره ملی مردمی نیز آن را بپذیرد. اما عده ای از این سیاست

ناراضی هستند و معتقدند باید تغییراتی در آن داده شود. اما به نظر نمی‌رسد که تغییری لازم داشته باشد، مگر این که از جهات دیگری یعنی در مسائل جانبی ضعف‌ها و نارسایی‌هایی باشد چرا که مسئله این است، آیا اصل و کلیات این سیاست صحیح و منطقی است؟ پس اگر اصول کلی و مبانی این سیاست صحیح بوده و از واقعیات چین نتیجه شده، پس تغییری لازم ندارد. آیا در اینجا کسی هست که بتواند در سیاست کنونی چین مبنی بر بازگشایی درهای این کشور بر روی جهان خارج تغییری بدهد و به این طریق به اقتصاد ملی مان نیرو و توان بخشد؟ هم اکنون چین چهار برابر کردن میزان تولید محصولات کشاورزی و صنعتی خود را در دستور قرارداد داده است. این هدف بلندپروازانه می‌بایست طی دو دهه عملی شود تا چین به سطح یک کشور توسعه‌یافته و ثروتمند برسد. البته این هدف اولین برنامه بلندپروازانه ماست. جمهوری خلق چین احتیاج به دوره‌ای ۳۰ تا ۵۰ ساله دارد تا به یک کشور حقیقتاً توسعه‌یافته تبدیل شود، به طوری که بتواند در ردیف کشورهای توسعه‌یافته وحشی قرار گیرد.

اگر ما سیاست گشایش درهای چین بر روی جهان خارج را در این قرن ادامه دهیم، بعد از پنجاه سال به اهمیت این سیاست بیشتر پی می‌بریم و آن موقع از این سیاست پشتیبانی بیشتری خواهیم کرد. در این صورت، کنار گذاشتن این سیاست هیچ معنایی نخواهد داد. اگر تغییری در این داده شود، استان‌ها و زندگی هشتاد درصد جمعیت چین کاهش خواهد یافت و مابایگانه مردمیمان را از دست خواهیم داد. اگر ما در راهی صحیح قدم برداشته‌ایم و از طرفی از حمایت‌های مردمی نیز بهره‌مند می‌شویم، پس لزومی به تغییر این سیاست نخواهد بود. وسواس و دودلی را باید کنار گذاشت.

گرچه سیاست ما در رابطه با هنگ‌کنگ برای مدتی طولانی بدون

۱ - در حال حاضر تولیدات کشاورزی جمهوری خلق چین با جمعیتی بهش از یک میلیارد و یکصد میلیون نفر به سطح صادرات رسیده است. چین اکنون یکی از کشورهای صادرکننده گندم در دنیا است. (م)

شرایطی که يك میهن پرست می بایستی دارا باشد عبارتند از احترام به ملت چین، حمایت خالصانه از اقتدار هر چه بیشتر هنگ کنگ - میهن بازیافته - و آرزوی ثبات و پیشرفت روزافزون هنگ کنگ. کسی که این شروط را داشته باشد، میهن دوست است، خواه معتقد به نظام سرمایه داری باشد و یا نظام فئودالی و یا حتی نظام برده داری. ما خواستار این نیستیم که آن‌ها طرفدار سیستم سوسیالیستی باشند، ما فقط از آن‌ها می خواهیم که به میهنمان و هنگ کنگ عشق بورزند.

بین امسال و سال ۱۹۹۷ شکافی ۱۳ ساله وجود دارد. باید برای يك تحول آرام و پیوسته شروع به کار کنیم، نخست باید از تغییرات عمده و یا برکشت به عقب اجتناب کنیم و از پیشرفت ثبات هنگ کنگ حمایت کنیم، ثانیاً نمایندگان هنگ کنگ باید وضعیت مناسبی را برای جایگزینی آرام دولت بعدی بوجود آورند. من امیدوارم که همه مردم در مشاغل مختلف در هنگ کنگ این هدف را دنبال کنند.

از آنجائیکه بیش از يك میلیارد جمعیت در زیر پرچم سوسیالیسم در يك منطقه وسیعی زندگی می کنند، ما می توانیم در اطرافمان، در قسمت های کوچکی، به سیستم سرمایه داری (البته کنترل شده) اجازه فعالیت دهیم. ما معتقدیم که وجود سرمایه داری در يك منطقه محدود شده، واقعاً موجب توسعه و استحکام سوسیالیسم خواهد شد. روی همین اصل ما دروازه های بیست شهر را به روی جهان خارج باز کرده ایم. البته در این بیست شهر همچنان اقتصاد سوسیالیستی نقش مسلط را دارد. ما از این که چنین امری ماهیت اقتصاد سوسیالیستی کشورمان را تغییر دهد، نمی ترسیم، بلکه برعکس معتقدیم گشایش درها بر روی جهان خارج و سیاست «يك کشور، دوسیستم» باعث رشد اقتصادی سوسیالیسم می شود. بنابراین ما یلم از نخست وزیر برای روشن شدن این مسئله در میان مردم هنگ کنگ و افکار عمومی جهان، تقاضای همکاری کنم تا روشن شود که مضمون «يك کشور، دوسیستم» نه تنها به معنای ثبات سرمایه داری بلکه بیشتر به معنای ثبات سیستم سوسیالیستی است، سیستمی که در قسمت اصلی چین به صورت استحکام یافته ای بر جا خواهد ماند.

منابعی که در تهیه و تنظیم مقاله «ایران: آلترناتیوها و بحران-
دمکراسی» واخذ آمار و ارقام و تدقیق استنتاجات، از آنها استفاده شده
است عبارتند از:

کتاب «الگوی برای توسعه اقتصادی ایران» نوشته دکتر ابراهیم
رزاقی (نشر توسعه ۱۳۶۹) - مصاحبه‌های پیشین مهندس بهزاد نبوی مندرج
در روزنامه‌های سراسری و رسانه‌های جمعی - مقاله «احزاب سیاسی و نظام
دمکراسی» نوشته دکتر احمد نقیب‌زاده» مندرج در مجله (اطلاعات سیاسی و
اقتصادی شماره ۳۱) مقاله «تجربه جمهوری اسلامی» نوشته مهندس عزت‌اله
سحابی مندرج در مجله «احیا» شماره ۲ (شرکت سهامی انتشار ۱۳۶۸) -
مقالات و سخنرانی‌های دکتر حسین عظیمی بویژه مقاله «رشد و توسعه
اقتصادی و تأثیر آن بر فقرزدایی» مندرج در مجله (اطلاعات سیاسی و اقتصادی
شماره ۳۷) - کتاب «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی» نوشته
دکتر مصطفی ازکیا (انتشارات اطلاعات ۱۳۶۳) - کتاب «ره‌سازان»
سرمايه‌داری تجاری ایران» به قلم نگارنده (نشر توسعه ۱۳۶۶) - کتاب
«سازمان، مدیریت و توسعه منابع انسانی» نوشته دکتر سیاوش گلابی
(نشر فردوس ۱۳۶۹) - کتاب «جنبه‌هایی از توسعه نیافتگی» نوشته خانم
جون رابینسون ترجمه حسن گلریز (نشر نی ۱۳۶۵) و بالاخره کتاب
«مسائل کشورهای آسیایی و آفریقایی» نوشته مجید رهنما (انتشارات
دانشگاه تهران ۱۳۵۰)!